

آذربایجان

مدیر: ع. شبستری
 سردبیر: ا. شمس
 عنوان تلگرافی
 نامه آذربایجان
 جای اداره: خیابان تربیت کوچه
 پناهی روبروی دبیرستان پرورش
 عجاتا هفته دو بار منتشر میشود
 قیمت اتصالات: صفحه ۲-۲ ریال صفحه ۳-۱/۵ ریال
 قیمت تک شماره: ۵۰ دینار بعد از سه روز یکریال

شماره ۷ سال ۱۳۲۰

(ناشر افکار جمعیت آذربایجان)

۱ شنبه ۲ آذر ماه

وزنامه آذربایجان اولین روزنامه ایست که از طرف یک جمعیت و برای رساندن مرام و منظور او به جامعه در آذربایجان منتشر میشود
 وزنامه آذربایجان سعی دارد: اوضاع اجتماعی گذشته و حال را تشریح کرده - عمل اصلی مفاسد اقتصادی و اخلاقی جامعه را تشخیص
 داده - و در مرحله سوم راه چاره عملی برای رفع فشارهای اقتصادی و اصلاح مفاسد اخلاقی جامعه پیدا کند.

علل انحطاط یک ملت چیست؟

البته همه کلمه ملت و ملیت را کرات مراتب شنیده اند و در گفتار و نوشته های خود غالباً استعمال مینمایند ولی در سورتیکه اگر از اغلب اشخاص معنی دقیقی ملت سؤال شود ممکن است از جواب عاجز مانده و نتوانند چنانکه باید شاید آنرا تفسیر نمایند. در حقیقت توده عوام وقتی کلمه ملت را می شنود چیزی در خیل او تجسم مینماید و در عین حال نمیتواند مفهوم آنرا بخوبی درک نموده و آنچه فهمیده است بدیگری نیز بفهماند.

اگر ما بخواهیم در این مقاله عقاید علمای اجتماعی راجع به ملت را ذکر نمائیم گفتار ما بطول انجامیده و قارئین محترم را نیز خسته میکند. ولی بطور مختصر میگوئیم: ملت عبارت از اینست که جماعتی در یک محیط جمع شده و اخلاق، آداب، روحیات، عقاید و زبان مشترکی داشته باشند و بطور خلاصه اتحاد اخلاق، آداب، روحیات، عقاید و زبان توده را ملت گویند.

علم اجتماع و تاریخ اجتماعی ملل بطور تحقیق ثابت نموده است که ملت وقتی ترقی نموده و پایدار مینماید که ملت خود را حفظ کرده و در تقویت آن بکوشد و مادامیکه ملت خود را حفظ مینماید همیشه زنده بوده هیچ قوه ای نخواهد توانست آنرا از بین ببرد. بر عکس اضلال ملتی روزی شروع میشود که ملت خود را رسیت نداده و در تضعیف آن سعی نماید. این ملت محکوم بزوال بوده عاقبت طوق اسارت و بردگی را خواهد نخواهی بگردن خود خواهد انداخت ما در این مقاله مخصوصاً در این موضوع بحث خواهیم کرد که آیا نظر حکومت سابق نسبت به ملت ما چه بوده و آیا حقیقتاً میخواست است ملت ما را حفظ نماید یا نه؟

ما با کمال تأثر و تأسف به این

سؤال جواب داده میگوئیم که حکومت سابق بیش از آنچه ما تصور میکنیم با خیانت نموده و کارکنان آن دشمن ما بوده و بضرر ما کار میکردند و حتی نیز پاره از آنان کارهای سابق خود را دنبال میکنند! چه آن خیانتکاران ملیت ما را زیر پا گذاشته و جدان ملی ما را پایمال نموده اند!

مسلم است که اخلاق، رسوم و آداب ملی، عقاید و زبان عوامی است که مثل زنجیرهای محکمی افراد یک ملت را بهم دیگر مربوط نموده آنان را بیک اتحاد ملی سوق میدهد. افراد این ملت هیچوقت از هم جدا نشد و روز بروز بر قوت و قدرت آنان افزوده میشود. خوشا بر حال ملتی که ملت خود را حفظ نموده و زمامداران آنان مثل زمامداران بی انصاف ما که در ظاهر خود را ملت پرور جلوه داده و در باطن آب بینیان ملت ما می بستند نیست! وزبانمان از شرح سعادت که آنان دارند عاجز است! ولی افسوس که ملت ما از این نعمت بی نصیب بوده و از ملت آن جز اسم چیزی باقی نمی ماند!

خیانت را به بینید که زمامداران ما برای اینکه این ملت عوام را فریب داده و چنین وانمود کنند که بوطن و ملت خود خدمت میکنند به تظاهرات پرداخته تنها با ساختن عمارات چند طبقه و خیابان های وسیع و انبارهای گندم و تاسیس تشکیلات و ادارات غیر متناسب با محیط و ملت ما و برپا نمودن جشن های بيمورد مردم بیچاره را سرگرم می نمودند بدون اینکه کمترین توجهی به ترقی اخلاق و معنویات ملت بکنند. این ملت جاهل نیز غافل بودند که حتی این آقایان در پس پرده آلت دست مغرضین بوده و بیشه بریشه ملت ما میزدند!

بقیه دارد

باریک

این کلمه در لغت بمعنی ضد کلفت و ستبر است در اصطلاح باعتبار مورد مضاف الیه معانی مختلفی را میرساند و ما برای مثال چند جارا می شماریم - میان باریک در کتب حکایت و الف لیله و دیوان شعرا از اوصاف معشوق خیالی است که ملا نصرالدین آنرا تمثیل کرده و مجنون عامری از مصادیق آنست، ابروی باریک عضوی است بالای چشم که طبیعی آن قیافه را جذاب و دلچسب نشان میدهد و اگر بدست آرایش گران صورت پذیرد مانند کمان دردل می نشیند، راه باریک جاده هائست که در کمر کوه و دره ها در عصور ماقبل تاریخ ترسیم شده فقط بز و حیوانات درنده در آن راه پیمائی می کنند گاهی راه مباشر هم از آنجا افتاده با زانوی لرزان از آن میگذرد، کوچه باریک معبری است که در هنگام دزدی و اغتشاش با گذاردن یک درب در مدخل آن راه بسته میشود عقل باریک مختص کسی است که در اطراف قضایا با نظر سطحی نگردد و کردار خود را همه صواب و با اندیشه پندارد اخیراً باریک در پهلوئی موقع زیاد بکار برده میشود و از آن جمله (موقع باریک) ترکیب می یابد و این جمله بعد از سوم شهریور زیاد استعمال و جواب هر استدلال و بیکر هر مغالطه است - مثلاً اگر گفته شود اصلاح کار قند که چندین ماه است وقت اولیای امور را گرفته و توده را از هر اصلاح مهم مایوس کرده و فیصله این کار خیلی کوچک فقط چند ساعت کار و یک کمی مناعت نفس و بیطمعی لازم دارد خواهید شنید (آقا حالاً موقع باریک است) اگر گفته شود بر کردن زندان از زارع بصلاح مملکت نیست دعاوی حقوقی و بوسیده چند سال را باین

شکل جلوه دادن و تهمت طغیان را برای تحمیل مالیات جدید بزراع از طرف مستاجرین بسود مملکت نیست خواهید شنید (آه خواهش میکنم حرف نزنید موقع باریک است) بلی موقع باریک است ولی چه تماس این باریک با کار ستبر دارد آیا چند نفر از معتمدین این شهر نمی توانند اختلاف را بر گذار سازند - موقع باریک نیست من شخص سیاسی نیستم زیاد در ستبر و رویه مطالعه نمی کنم وقتی که از کار موظف خود فراغت پیدا کردم اندکی در اندیشه غوطه می خورم می بینم موقع خیلی باریک نیست و افق سیاست ما کاملاً روشن است میدانم ما در ایران هستیم حدود ایران کجاست همسایگان رؤف ما برای ضرورت سوق-الجیشی از آن حدود بخاک ما وارد شده اند و در اثر این پیش آمد (مانند تکان فکری اغلب ملل کوچک که مرهون حوادث خارجی است) ما قدری آزاد شدیم و حالا آزادی را دوست میداریم مانند فرزند مهربان عزیز میداریم و اندکی میدان فکر و عمل برای ملت فراخ شده میخواستیم با جنب جوش ورزیده شویم اعصاب فرسوده عضلات سست را که اغما چندین سال در ما ودیده گذارده بود با حرکت قوی کنیم و خود را آماده بردانگی داریم حالا آیا کافی است با یک کلمه (موقع باریک است) این آتش عشق کار را فرو نشانیم و مانند حشرات در لانه خود بخزیم؟ - جواب این سؤال را خواهیم داد.

آقای

یک نفر حسابدار بطرز جدید و نامه نویس خیلی مجرب که در تجارت خانه و بنکاه های مخصوص مدتها کار کرده حاضر است در یکی از تجار تفرانه و یا بنکاهها مشغول کار باشد طالبین باداره نامه آذربایجان رجوع نمایند.

چرا مالیات گذشته ملت را از پا در آورد ؟

میخواهم واقعه ایراکه برای المین مشاهده کرده ام بر خوانندگان عزیز خود شرح دهم روزی از جلو مغازه خیاطی میگذشتم صدای گریه و ناله خیاط مرا مجبور کرد که وارد مغازه شده از چگونگی حالش اطلاعی بدست آرم خلاصه بعد از اینکه خیاط بینوا داغ دل خود را بیان کرد معلوم شد که ناله اش ناله مالیات بوده و اشکش از صحرای ستم مامورین سرچشمه میگرفت چه اظهار میداشت که دارائیم در این مغازه يك چرخ خیاطی بود که از برکت آن دونفر شاگرد و چندین عضو خانواده ام معیشت میکردند مامورین ستمکار مالیه با اینکه بر میزان دارائیم بی برده بودند ولی باز سال گذشته بیست تومان گرفتند که مجموعه قروض بود ولی امسال باوجود اینکه از وضعیت خانه و زندگیم خبر داشتند باز مالیات میخواستند من هم استعداد نداشتم بواسطه تاخیر دیروز فراشان بیعاطفه مالیه چرخ خیاطیم را که امید چند موجود بود بعنوان مالیات و جریمه از پیش دینده هایم برداشته و بردند . بنده نمیخواهم دیگر از وضعیت حالش بنویسم زیرا امیدوارم که خوانندگان با فهم خود بر چگونگی اوضاع آن لحظه خیاط بی بیرند و بر ظلم و تعدی آن مامورین لعنت های موثری که پیش درگاه خداوندی نتیجه بخشد بفرستند . از این واقعه مزبور میتوانیم بر تاریکی وبی اساسی قانون گذشته مخصوصا به مالیات گذشته بی بریم .

نبودند که تیر عدل روزی سینه آنها را هدف خود خواهد کرد ؟ هر روز پهلوی يك دستور ظلم میداد ایشان علاوه بر انجام امر مقداری نیز ستم اضافه می نمودند . پهلوی میگفت مالیات بگیریند ولی میزان بدست مامورین میافتاد از گازی که مزد سالیانه اش بیش از چند تومان نبود یکدفعه زیاده از آن مزد میخواستند گویا میبایست در آنوقت گازر دزدی میکرد تاجیب مامورین را بر می نمودند . از تاجری چند صد تومان که از روی قانون معینی نبود مالیات میخواستند ولی بعد از آنکه تاجر خود بعضی از آقایان را راضی میکرد مالیات بسی یا بیست تومان میرسید از اینجا معلوم میشد که کار دردست ایشان صورت میگرفت . پس آنده بی وجدانها و بیدینها اگر خود شان عقیده راستی بخداوند میداشتند یکدفعه از اول سی یا بیست تومانرا میگرفتند اقلامت تنها به پر کردن جیب دولت از طعام مقرریش کسر میکرد .

اما ملتفت این نکته شده که همه مامورین دارای این خصلت مذمومه نبودند یعنی وجدان بکلی از مردم این سرزمین روگردان نشده بود بلکه بین ایشان اشخاصی یافت میشد که قابل هر گونه تحسین بودند یعنی میتوانستند از پول دنیا گذشته ولی بر حقوق مردم تجاوز نمایند رشوه را زیر پای خود لگدمال کنند اهالی را از خود راضی سازند هیچ محتاج بنوشتن اسامی شریف ایشان نیست زیرا :

چیزیکه عیان است - چه محتاج بیان است بالاخره دود ظلم دولت و بعضی مامورین وظیفه ناشناس افق حیاترا گرفت اهالی ملت تخم نفاق و کینه را در دل کاشتند حالا ثمره آن تخمهاست که پهلوی در جزیره مورس و آن مامورین هم در این اینطرف و آنطرف میخورند . از مشاهده این نتایج زهر آگینی باید ماملت ستمدیده دفتر نویی از اخلاق پاک بخود تهیه کنیم و ایمان فروشی را ترک گفته با عقیده محکم کار کرده بر حقوق هموطنان خویش تجاوز ننمائیم . ذیروح

ملت بینوا باهروضعی بود مالیات را که اصول حقیقی نداشت بجیب پهلوی و مامورینش ریخت ایشان هم با يك نشاط فوق العاده خوردند ولی چون عدالت از جمله صفات خداوندی است همیشه ظالم را مقتدر نمیکند بزودی لایحه نتایج اعمال خود را بدست گرفته و از ثمره آن نتایج بهره مند گشتند . منتهی بعضیها نتیجه را دیدند ولی میوه برخی بآینده موکول گردیده فرشتگان عدالت هر روز بایشان اطمینان کاملی میدهند که آماده قصاص و پاداش باشند . متحدین پهلوی باید از میزان اجر سر - دسته خودشان آگاه شوند مگر منتظر

شماره ۸۷۷۹ آگهی مناقصه

ناحیه راه آهن و کشتیرانی استان ۳ و ۴ مقدار (۸۰ متر) پارچه نخی دولا خاکستری رنگ مطابق نمونه بطور مناقصه خریداری مینماید .

مدیر محترم روزنامه آذربایجان یکی از دوستانم سؤالات زیادی با ذکر مثالهای بی شمار از بنده نموده اند خواهشمندم پاسخ چند تایی آنها را که در زیر بعرض میرسد مرقوم فرمائید و یا خوانندگان محترم روزنامه بنویسند تا دوست من از گریبانم دست بردارند .

۱ - مثل سابق روزنامه ها و مجلات کشور بجای درج مطالب مفید اجتماعی ستونهای متعددی از روزنامه را بشرح ترقیات بی اساس منحصر خواهند ساخت ؟ یا ببرد دل مردم رسیدگی خواهند کرد ؟

۲ - مثل سابق و کلاسی مجلس شورای ملی فرمایشی بلکه بقول مجله ماهتاب ارثی بوده و هیچیک از افراد کشور حق انتخاب نخواهند داشت ؟ یا از روی حق و عدالت صاحبان وجدان و دیانت بجای غاصبین انتخاب خواهند شد ؟

۳ - مثل سابق مالیات بردرآمد نظری بوده و بدون رعایت حال اصناف وصول خواهد شد و برای تادیه مالیات مجبوریم دکانهای خود را بسته دو ماه در راهرو اداره مالیات پرسه بزیم ؟ یا قانونی وضع خواهند کرد که از روی انصاف از درآمد حقیقی مردم مالیات بگیرند ؟

۴ - مثل سابق آقای رئیس شیبیت غله آذوقه بنده را که یک نفر تبریزی هستم و با هزار زحمت برای خوراک خانواده ام آرد تهیه نموده ام از ورود بشهر مانع شده و برای اشخاصیکه به تهران آرد میفرستند مقادیر زیادی پروانه صادر خواهند کرد ؟ یا مطابق قانون

شماره ۸۷۷۸ آگهی

اینک که بین بندر شرفخانه و بندر گلخانه مسافر بوسیله کشتی حمل میشود برای آسایش مسافری در هر دو بندر مسافر خانه دایر گردیده در کشتیها نیز قهوه خانه موجود است از متصدی مسافر خانه ها و همچنین قهوه خانه کشتی دیگر کرایه دریافت نمیکند تا بهای خوار و بار و کرایه منزل را از مسافرین ارزانتر دریافت دارند و از این بابت کمال مراتبت میشود که مسافرین راحت باشند .

ناحیه راه آهن و کشتیرانی استان ۳ و ۴

طالبین میتوانند پیشنهاد های خود را در پاکت سر بسته که روی آن نوشته شود (راجع بفروش پارچه نخی) تا ساعت ۹ روز ۱۵ آذر ماه بدفتر ناحیه تسلیم نمایند . پیشنهاد دهندگان باید مبلغ یکصد ریال بعنوان سپرده بصندوق ناحیه بپردازند که در صورت اصابت و استنکاف بنفع ناحیه برداشت شود . پیشنهاد های رسیده در ساعت ۱۰ صبح پانزدهم آذر ماه باز خوانده خواهد شد . حضور شرکت کنندگان در مجلس رسیدگی آزاد و ناحیه در رد و قبول يك یا کلیه پیشنهادها مختار است به پیشنهاد های بدون تمبر ترتیب اثر داده نمیشود .

ناحیه راه آهن و کشتیرانی استان سوم و چهارم

و عدالت هر کس میتواند با پرداخت مابه التفاوت دولت از حاصل دستر خود استفاده نماید .

۵ - مثل سابق در دبیرستان دخترانه بجای نفت و خانه داری در عشق بازی خواهند آموخت ؟ یا وزا محترم فرهنگ توجیبی به پاکی اخ خواهند کرد .

۶ - مثل سابق بهر اداره بر این تابلو را خواهیم دید (تابلو سخن نگویی فروغ روح پاکت چنانه باید و شاید آشکار نمیشود) یا ما آذربایجان را ایرانی خواهند شمرد و اجازه خواه داد بازبان مادری خود حرف بزیم ؟

۷ - مثل سابق هر کس رئیس فرها تبریز شد دبیران آذربایجان را به پیش آذربایجان بودن از خدمت رانده پیش خدمت خود را هم از مشهد و سایر شهر ستانها انتخاب خواهند کرد ؟ یا نسبت بلیساعت هر کس کار داده غرض را کنار می گذارند .

۸ - مثل سابق بعضی از مامور دولتی مردم را بعنوان مختلفه لغو خواهند کرد و برای خود باغ و چش خواهند خرید ؟ یا در دوره حاضر آنرا را بمحاکمه خواهند کشید .

۹ - مثل سابق مالیات بردرآمد مخصوص طبقه اصناف خواهد شد ؟ تجار هم دسیسه باز یارا کنار گذارده مالیات حقه را خواهند پرداخت .

حسین لطفی

شماره ۸۷۷۸ آگهی

شماره ۸۷۷۹ آگهی مناقصه

ناحیه راه آهن و کشتیرانی استان ۳ و ۴

ناحیه راه آهن و کشتیرانی استان سوم و چهارم

شرح حال:

من شرح حالی ایدم اظهار گر بوگون
 بو غملی غصه عالیه ایله اثر بوگون
 فکر ایلدوقجه حالی دل اود دوتوب یانار
 گوزدن آخار عذارمه خون جگر بوگون
 وار دور یری که آتش آهمن اود دوتوب
 یانسون جهاندا شمع کی خشک تر بوگون
 عمرم یتشدی باشه بو درد و ملالین
 همدرد گورمدم اوزومه بیر نفر بوگون
 بو بخت کیم مندی یقیندی یوخ سوزی
 من هر کسه بیان ایلم شرح حالی
 بولم ایشده الفتی مندن کسر بوگون
 کنج غم فراقده هر لحظه نی کیمی
 گلم فغان و نالیه شام و سحر بوگون
 گاهی غم زمانه ، گهی جور روزگار
 تیر جفایه سیندی ایتدی سپر بوگون
 سلمان عصر اگر اولسان اولیه بولون
 ویرمز قولاق یقین سوزوه بیر نفر بوگون
 بولسوز بو روزگار یده شخصون نه مصرفی
 عاجز قالور اگر چه اول شیر نر بوگون
 قلبم کیمی طریق معاشم اولوبدی تنگ
 درد و ملال و رنجله عمرم کیچر بوگون
 بیر شخصان بش آلتی قران کسشم دون
 گورسه یخمن ایندی مکرال چکر بوگون
 باخ اعتباره شهرده اصناف لر منی
 گورچک دیلر گلدی گنه نسیه بر بوگون
 بر صنف قالمیوبدی که من نسیه کسیم
 یوز بوخدی باغلانوب منه هر رهگذر بوگون
 قیش بالتارینی چاره سیزم یایدا گیوشم
 یاندی آلودی جسم ضعیفم پش بوگون
 دورت سنکک اوسته یالوارورام سنک دلره
 یالوارما قومدا بیرکسه ایتمز اثر بوگون
 آجلوق دایا ندروب منی لیکن گورن دیر
 از بس ییوب گدنری بو بختور بوگون
 سقل باسوب زبسکه تابولماز جیبده پول
 شیخ اولوشام بوشهرده چوخ معتبر بوگون
 آرواد دا ایوده ساخلاموری احترامی
 سویلر بلادی باشه دوشدی بو اربوگون
 قیش گلدی پالتار آلاموسان گورمسن لوم
 گت باشوه علاج ایله وردوم خبر بوگون
 خدیجه باجی آلودی اون آرشن گریب دشین
 آیا هاچان او بزدن اولور مشتحر بوگون؟
 انصاف دور او گونده کیسون لباس نو؟
 اگنده گورموسن تو کولوب کهنلر بوگون
 چوخ مشکل ایشدی دهرده عورت شادتی
 دوندردی قانه باغرمی بو غصه له بوگون
 خوشبخت او کسدی آنلامیوب نیک و بد دور
 وای اونکسه که یاخشی یامانی سپر بوگون
 آیلوق آلاندا برنچه گون خوش کیچر گونوم
 امان دوشر بو حاله که ایلر گذر بوگون
 چوخلار جهاندا عیش ایدری بولمری نه وار
 آسوده در گولر او خیر خوشگذر بوگون
 بولسوز لوق ایلیوبدی منی لال شهرده
 آچمش زبان شادته هر بی پدر بوگون
 داد استوقجه دود دلم چرخه قوزانور
 بس هاردا دور که داده یته دادگر بوگون
 میدان سیم و زردی نه بازار معرفت
 بیر تنبله زمانه ده دگمز هنر بوگون

انتخابات!

گاندید ایتسن آی آمان یاز منیده
 آنتخاباته اینان یاز منیده!
 هر کسکه اولوسان هم صحبت
 آخرنده دیوری چک رحمت
 آنتخاباته اینان یاز منیده!
 آلتی یوز تومان اولوب هر آیدا
 نفی اولماز هاموسی بیر یاندا
 آنتخاباته اینان یاز منیده!
 یاز منی یوخسا زیانوتای بالا
 قتلون و فرمانی قانونی بالا
 آنتخاباته اینان یاز منیده!
 بولوروخ ییز بو ایشون هر بولونی
 ویرمیشوق لاپدا تاباقیم بولونی
 آنتخاباته اینان یاز منیده!
 سو وکالت دوزلوب طهراندا
 بیرتما چوخدا اوزوی هر یاندا
 آنتخاباته اینان یاز منیده!
 قورلوب دوره داخی سن دیه لا
 ایش باشندا هامی بیزدندی بالا
 آنتخاباته اینان یاز منیده!
 تقدیر دوره بو دور هر زادوزوخ
 هر نه رنگ اولسا سیزون استادزوخ
 آنتخاباته اینان یاز منیده!
 سنده چوخ بولمه ییزی ساده بیله
 اولموشوخ هر زادا آماده بیله
 آنتخاباته اینان یاز منیده!
 یغیشیرسوز نه جاهلدان قوجادان
 قوباروخ ییز باخسوز سیز باجدان
 آنتخاباته اینان یاز منیده!
 باجدان باخان!

حقیقتی اولان کوچک حکایله

وفادار لبق!

دوزلتمک ایچون و سایر بوکی شیلر
 ایچون خلقدن زوریله بول آلتیردی؟
 اودا او مدرسه سینده او خوباناردن اون
 دینار گچ پولی ویر قران مدرسه پنجره-
 لرینین جاملارین سالدیرماق ایچون
 آلیر! و اوز قانونین یرتماقدان اوتری
 ویرمین لری دوگوب وجسه یوللیر و
 لاپ آخرده ده مدرسه دن ایشیکه سالدیریر!
 * * * * *
 بز بو آداملردان که اوز قدیم
 شاهلرینه بو قدر وفادار قالوب هیچ
 اولمزسا مدرسه لرینده اونون قانونلارین
 یرتتمک ایستورلر! چوخ قدر دانلیق
 ایدیروق! اما بونیده اونلاره توصیه
 ایدروخ که اگر بو قانونلری اوز ایو-
 لرینده اجرا ایتسه لر ده یاخشی اولوب
 و ده آرتیق اوز وفادار لبقلارین اثبات
 ایده جکلر! آذربایجان

آلدیغمز خبره گوره تازه لقا دیویک
 استبداد حکومتی داغیلاندان صونرا بر
 پاره سابق حکومت و وفادار قالان آداملر
 فرصتدن استفاده ایلیوب اوزلری ایچون
 کوچک حکومت دستگامی دوزلتمکه
 باشلامشدر:
 برنفر بیله نقل ایدیر که برگون
 رفیق لریندن برینین ایوینه گیدوب اونون
 بالاجا اوغلینین مدرسه یه گیتمگین گوروب
 علتی سوال ایتمشدر؟ او شاقین دیدیکدن
 بیله معلوم اولوب که دولتی یهقی
 مدرسه سنین مدیری گویا سابق حکومت
 طرفدار لریندن اولدیقی ایچون سابق
 حکومتدن تقلید ایلیوب و اونون قانون-
 لارین اوز مدرسه سینده اجرا ایتمکه
 تصمیم دوتوبدر! مثلا نجه که سابق
 حکومتده طیاره آلمات ایچون و مریمضخانه
 اهل کمال و صله تابانماز لباسینه

کیهوش حریر قامتنه گاو و خر بوگون!
 قلندر!



کاندید بیا بین آگامان یاز میند
اقتضایان یاز میند